



LIDA Stories

lidastories.net

پیدا کرڊن وظيفه / Finding a job

✎ Espen Stranger-Johannessen

☞ Sunniva Høyby-Øiset

☞ Shir Ahmad Laiwal (prs)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



Finding a job

پیدا کرڊن وظيفه

✎ Espen Stranger-Johannessen

☞ Sunniva Høyby-Øiset

☞ Shir Ahmad Laiwal

4

🗨️ / English [en] [prs]



الیشا باید یک وظیفه را پیدا کند به خاطر که خانواده اش برای غذا و لابس به پول ضرورت دارد.

...

Alisha needs to find a job because her family needs money for food and clothes.



او افتخر میکند که او یک وظیفه را به دست آورده و بتواند پیسه خود برای خانواده اش غذا و لابس بخرد.

...

She is proud that she has got a job so that she can buy food and clothes for her family with her own money.

Next time Alisha goes for a job interview at a restaurant, she is offered the job. It is hard work. She often has to work in the evening, when her children are home from school.

...

دفعه بعدی، آلیشا برای اینترویو به یک رستوران رفت. او پذیرفته شد. او اغلب در شب کار می کند، وقتی که کودکان او از مدرسه می آیند.



Alisha did not work in her home country, but she is good at cooking and likes talking to people.

...

آلیشا در کشوری که نکرده بود، او در آشپزی مهارت دارد و خوش دارد مردم صحبت کند.

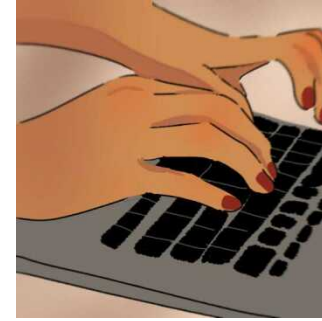




شاید او بتواند که در یک رستوران کار کند؟ الیشا در اینترنت پشت و خطیف تلاش می کند.

...

Maybe she could work in a restaurant? Alisha searches on the Internet for job postings.



او معلومات این کورس را به سی وی خود اضافه می کند. سی وی یک تشریح از تمام کارهای است که او انجام داده و تمام کورس های که او گرفته است.

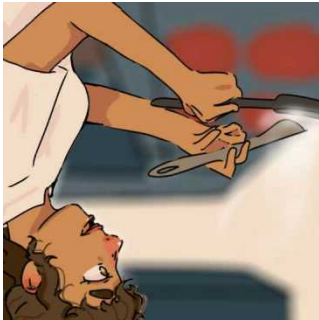
...

She adds the details of the course to her CV. A CV is a description of all the work she has done and all the courses she has taken.

Alisha has to work in a restaurant as part of her training course. She does not get paid, but she gets work experience.

...

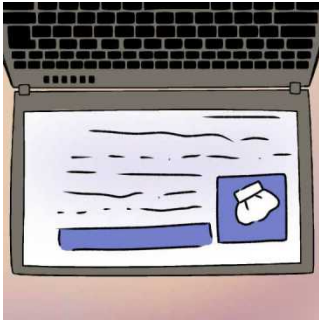
الایشا مجبور است در یک رستوران به عنوان بخشی از کورس خود کار کند. او را مقرر نمی دهند مگر او تجربه کاری به دست می آورد.



She finds an advert for a chef. That is someone who cooks in a restaurant.

...

او یک اعلان وظيفه برای آشپف را پیدا می کند. کسی که در رستوران آشپزی می کند.





او برای یک انترویو وظیفه می رود. مدیر رستوران به او میگوید که آنها به یک کسی نیاز دارند که به طور شیف خوب تعلیم گرفته باشد

...

She goes for the job interview. The restaurant manager tells her they need someone who has trained as a chef.



الینده امید است، مگر او یک کورس به نام “غذا و مهن نوازی” میگیرد. او آرزو دارد که این را او کمک کند در یک رستوران وظیفه بگیرد.

...

Alisha is disappointed, but she takes a course called “Food and hospitality”. She hopes this will help her to get a job in a restaurant.